



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

جهان بینی فلسفی بابا افضل کاشانی

استاد راهنما:

دکتر مختار ابراهیمی

استاد مشاور:

دکتر محمد شکرایی

نگارش:

فاطمه روان

بهمن ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس گزاری

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مختار ابراهیمی به خاطر تلاش خستگی ناپذیر و زحمات فراوان ایشان که مسئولیت استاد راهنمای اینجانب را پذیرفته اند و در انجام این پژوهش با مهربانی و دقت نظر کافی مرا از راهنمایی های خردمندانه شان بهره مند ساخته اند سپاس گزارم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد شکرایی به خاطر دقت و حوصله ای که در بررسی و ویرایش این پایان نامه از خود نشان داده اند و نیز به خاطر راهنمایی های مفید و سودمند ایشان سپاس گزارم.

تقدیم به

همسر بزرگوارم که طراوت بهار زندگی ام از شکوفایی گلهای تواضع و ایثار
اوست.

و

گلهای باغ زندگی امیرحسین و یگانه

چکیده

پایان نامه حاضر به بررسی و تحلیل اندیشه های فلسفی افضل الدین کاشانی و تطبیق آن با اندیشه های برخی فیلسوفان اسلامی می پردازد.

بابا افضل در فلسفه خود راهی نو و ابتکاری در پیش گرفته، او فیلسوفی خردگراست که بیش ترین توجه خود را به نفس کرده و شناخت خود را بهترین راه برای شناخت و رسیدن به حق دانسته است.

کاشانی در فلسفه خود اسباب رسیدن انسان به کمال را با به کارگیری دانش معرفی کرده است و برای رسیدن به این هدف فلسفه و عرفان را در هم تنیده و تحت تأثیر فلسفه خسروانی یا فلسفه عرفان وار ایرانی باستان رخنه ی بین فلسفه و عرفان را پر کرده است.

پایان نامه حاضر برای بررسی این موضوع به بخش های زیر تقسیم شده است:

۱- بخش نخست: کلیات

۲- بخش دوم: نگاهی تحلیلی به مبانی فلسفی بابا افضل کاشانی

۳- بخش سوم: شرح اصطلاحات

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	یادداشت های مقدمه
	بخش نخست: کلیات
۶	معرفی بابا افضل کاشانی
۸	آثار
۸	رباعی ها و دیگر اشعار
۸	ب) آثار منثور
۱۰	ج) رساله های کوچکتر
۱۱	د) آثار منسوب
۱۱	تاریخ و محل ولادت و وفات
۱۲	مبانی فکری بابا افضل
۱۳	ردپای آرای ارسطو در حکمت بابا افضل
۱۴	مشی فلسفی بابا افضل
۱۸	سبک زبانی بابا افضل و نثر فارسی
۲۲	یادداشت های بخش نخست

صفحه	عنوان
	بخش دوم: نگاهی تحلیلی به مبانی فلسفی بابا افضل کاشانی
۲۶	آغاز سخن
۲۷	۱-۲- معنی شناسی نفس و تن
۳۰	۲-۲- علم نفس
۳۲	۳-۲- اندر وجود نفس
۳۴	۴-۲- قوای نفس و آلات و افعال آن ها
۳۶	۲-۴-۱- رابطه نفس و عقل
۳۸	۲-۵- ارتباط قوای نفس
۳۹	۲-۶- نفس و خرد
۴۱	۲-۷- ارتباط نفس و تن و کیفیت آن
۴۶	۲-۸- مراتب و سطوح آگاهی
۴۸	۲-۹- مراتب نفس
۵۲	۲-۱۰- معرفت نفس، محوری ترین مسأله
۵۹	۲-۱۱- اسباب کمال نفس
۶۲	۲-۱۱-۱- دانش اصلی
۶۴	۲-۱۱-۲- رستگاری
۶۵	۲-۱۲- اسباب گرفتاری نفس از کمال
۶۸	۲-۱۳- میانه روی نشانه ی کمال

۶۹	۲-۱۴- علم و چگونگی حصول آن
۷۱	۲-۱۵- اتحاد عاقل و معقول
۷۳	۲-۱۵-۱- نظریه ابن سینا در مورد اتحاد عاقل و معقول
صفحه	عنوان
۷۴	۲-۱۶- جوهر بودن نفس
۷۷	۲-۱۷- تجرّد نفس
۸۰	۲-۱۸- فساد ناپذیری نفس و بقای آن بعد از مرگ
۸۶	۲-۱۹- وجود شناسی
۸۹	۲-۲۰- جسم و روح
۹۱	۲-۲۱- «شهود» و «لقا» در حکمت بابا افضل
۹۴	یادداشت های بخش دوم
۱۰۱-۱۲۱	بخش سوم: شرح اصطلاحات
۱۲۲	یادداشت های بخش سوم
۱۲۷	فهرست راهنمای نام های کسان
۱۲۹	فهرست راهنمای مصرع های فارسی
۱۳۳	کتابنامه
۱۳۵	چکیده انگلیسی

Payame Noor University

Submitted in partial fulfillment of the Requirements for the Degree of M.Sc **In**
Persian language and letter

Department of Persian language and letter

Thesis title:

Baba Afzal – e – kashanis philosophical

Supervisor:

Mokhtar Ebrahimi, Ph.D

Advisor:

Mohammad shokrai, Ph.D

By:

Fatemeh Ravan

Feb 2010

مقدمه

افضل الدین کاشانی فیلسوفی است دقیق النظر و صاحب رأی که در قرن ششم می زیسته است. او با ذوق سرشار خویش سعی کرده است با درهم تنیدن و تلفیق روش های حکمی رایج زمان خویش (مشایی، اشراقی، عرفانی) به منهجی نو دست یازد و بر آن اساس، ساختاری منسجم از تفکرات فلسفی و معرفتی خویش بر سازد. وی در کنار اندیشیدن در باب نهادهای بنیادین حکمت، فلسفه و معرفت به طور عام، درباره نفس به طور ویژه و خاص اندیشیده است. دستگاه اندیشه ی او در باب نفس از انسجام و استحکام برخوردار است. و البته در موارد بسیاری ابتکاری است. با این همه این حکیم والامقام در جامعه علمی و فلسفی ما کاملاً ناشناخته و قدرش نامعلوم مانده است. همه آن چه درباره او انجام گرفته، بجز تصحیح و تحقیق و چاپ مجموعه آثار او، به شرح حال نویسی و تمجیدهای تشریفاتی از او منحصر است. حال آن که کندوکاو در اندیشه های او و صید مروارید های ناسفته و به عزت نشسته در مجموعه آثار و رسایلش کاری لازم بلکه واجب می نماید.

یکی از رباعیات او که از نظر عقاید فلسفی او اهمیت دارد این است:

سرتاسر آفاق جهان از گل ماست

منزلگه نور قدس کلی دل ماست

افلاک و عناصر و نبات و حیوان

عکسی ز وجود روشن کامل ماست.^۱

بابا افضل در دوره ای می زیسته که حکومت اسماعیلیان و مذاق باطنی گری در اوج قرار داشت و عرفان و تصوف مصطلح و رسمی نیز تازه در حال شکل گیری و رواج بود. وی که دبیری^۲ سخن پرداز و دارای ذوق سرشاری بود، عمدتاً در بخش سوم عمر خویش به تألیف و تصنیف رساله هایی پر مغز در منطق و حکمت و عرفان پرداخت.

بابا افضل با نگاشتن این رسایل با آن که در زمره حکیمان برجسته این سرزمین به شمار می رود، اما متأسفانه قدرش ناشناخته مانده و اغلب محققان و استادان و دانشجویان ادبیات فارسی و فلسفه با دیدگاه های او آشنا نیستند. اگر چه از حدود پنجاه سال پیش، یا حتی یکی دو دهه پیش تر از آن با چاپ اشعار یا دیوان او و نوشتن مقدمه هایی بر آنها از سوی بزرگانی چون بهار، دانش پژوه، نفیسی و دیگران، برای بازشناسی و شناساندن این حکیم والا مقام کوشش هایی صورت گرفته است، اما هیچ یک از آن ها نتوانسته آرای ارزنده فیلسوف و حکیم ما را از کنج عزلت و انزوا به در آورد و در جامعه علمی رواج دهد.

نگارنده بر خود فرض دانست تا در ضمن پژوهشی علمی گامی فراتر نهد و از معرفتی شناسنامه ای به معرفی علمی این شخصیت مهم فلسفی - عرفانی مبادرت ورزد. از این رو به عمده ترین مسائل فلسفی مورد دغدغه کاشانی توجه کرده تا پاره ای از زوایای نهفته و خاک گرفته اندیشه ها و آرای او را باز شکافته گزارش، شرح، تفسیر و تحلیل نماید.

پیش از آغاز پایان نامه تأکید بر این امر شایسته است که سنگین بودن این کار به دلیل یک دست نبودن زبان رساله ها (نویسنده گاه از زبان عرفانی، گاه فلسفی و گاه ادبی سود برده است)، اصطلاح سازی های نویسنده کتاب، بکر بودن بخشی از مباحث طرح شده در این کتاب و نبودن منابع دست اول کافی و دقیق درباره بابا افضل، ایجاب می کرد که کارم منحصر در خود مجموعه مصنفات شود. از همین رو مجموعه مذکور را با دقت خواندم و پس از حل معضلات ذکر شده و جداسازی مطالب مربوطه و فیش برداری، حجم کار را بسیار زیاد یافتم و برای این که کار از دقت افزون تر و کیفیت بالاتری برخوردار گردد، از حجم کار کاسته و چون الگویی برای این کار وجود نداشت، سعی بر آن شد که یک سیر و الگو را برای موضوعات انتخاب کنم که بر بنیاد موضوع هایی باشد که بابا افضل در سیر و سلوک آدمی ارائه می دهد. و آن انتخاب بهترین رساله کاشانی (مدارج الکمال) بود. که مرحله به مرحله در مورد

سیر و سلوک انسان است بعد از مرتب کردن موضوع های پایان نامه طبق سیر رساله مدارج الکمال، به تطبیق اندیشه های کاشانی با دیگر فیلسوفان اسلامی که اکثر آن ها تقریباً همزمان با کاشانی بودند پرداختم و در پایان کار اندیشه های بابا افضل را با دیوان او مقایسه کردم که در این پایان نامه ۷۹ رباعی، ۲ قصیده و اقطعه ذکر شده است.

یادداشت‌های مقدمه:

۱- بابا افضل کاشانی، دیوان، (به کوشش مصطفی فیضی و دیگران)، کتاب فروشی زوار، ۱۳۶۳

ص ۳۷، رباعی ۱۱۲

۲- همان، ص ۷ مقدمه

کلیات

معرفی باباافضل کاشانی
مبانی فکری باباافضل
مشی فلسفی باباافضل
سبک زبانی باباافضل و نثر فارسی

معرفی بابا افضل کاشانی

افضل الدین محمد بن حسین بن محمد خوزه مرقی کاشانی، حکیم بزرگ اسلام و ایران، در نیمه دوم قرن ششم و آغاز قرن هفتم می زیسته است. هر چند با تألیفات فلسفی فارسی و رباعیات خود در ایران مشهور است، شرح حال او به درستی معلوم نیست. تذکره نویسان که به مناسبت رباعیاتش سخنی از او به میان آورده اند چیزی درباره او نمی دانسته و افسانه هایی درباره او پرداخته اند.^۱

خواجه افضل الدین از شاعران و نویسندگان قرن ششم و آغاز هفتم هجری است که معاصر با حمله مغول و تسلط ایلخانان بر ایران بوده است. خواجه مطالعات و تحقیقات وسیعی در زمینه علوم دینی، فلسفه، اخلاق سیاست و ادبیات داشته و در زمان خود از عالمان و حکمای بزرگ بوده است. بابا افضل برخلاف بیش تر فیلسوفان کتابی که همه ابواب حکمت از طبیعی، الهی و ریاضی را با ساختاری مشخص در بر گرفته باشد، ندارد. نظریات او در رساله های کوچک و بزرگی منعکس است که زبان و اصطلاحات نوی که در آن ها به کار رفته است، جنبه ای از استقلال فکری و نوآوری او را نشان می دهد.

سهم بابا افضل در خدمت به فرهنگ ایرانی بیش از همه در حوزه ادبیات است. وی یکی از بزرگ ترین شاعران در میان حکمای ایرانی به شمار می رود. می توان او را یکی از دو یا سه تن از برجسته ترین رباعی سرایان دانست.

دکتر صفا درباره ی بابا افضل در تاریخ ادبیات در ایران چنین می نویسد:

«بزرگترین فیلسوف این عهد (قرن هفتم و هشتم) که باید او را بازمانده روزگار پیشین دانست خواجه افضل الدین محمد بن حسین مرقی کاشانی معروف به بابا افضل است که نسب تعلیم خواجه

نصیرالدین توسی از یک راه یعنی از راه تعلّم در نزد کمال الدین محمّد حاسب، از شاگردان افضل الدین کاشانی، بدو می رسید.^۲

کارهای افضل الدین کاشانی از چند جهت شایسته تحقیق و مطالعه دقیق است:

۱- او رساله های متعددی را در مباحث حکمی به زبان فارسی نگاشته است که اصطلاحات روان و ابتکاری خود را در عبارات مستحکم گنجانیده است که هم جنبه لفظ و هم جنبه معنی در آن به حد کمال است، سودمندترین کار را برای بخشیدن ارزش حکمی بدان کرده است و ارزش کار او بر اثر اشتغال آن بر مباحث منظم مختلف از ارزش کارهای فیلسوفان پارسی گوی پیشین کمتر نیست.^۳

۲- «دیگر آن که او فیلسوفی مدرسه ای و متوقف در عقاید پیشینیان و متحجر در اصطلاحات و گفتارهای آنان نیست بلکه مبتکر و صاحب نظر و گاه تأویل کننده و راه جوینده به حقایق جدید با توجیّهات تازه است و اندیشه های حکمی او علاوه بر کتاب و رساله شامل تقریرات و نامه های او و اشعارش است و این بیانگر این است که او در واقع مرد اندیشنده ای است که پیوستگی اندیشه های خود را همه جا حفظ می کند و فقط به درس و وسایل درس یعنی کتاب و رساله منحصر نیست. او در ضمن تحقیقاتش بسیار به آیات استناد و اشاره می کند و در آن ها چنان که بحث های وی اقتضا می نماید به تأویلات و توجیّهات دست می زند.»^۴

«خواجه افضل الدین محمّد بن حسن بن حسین مرقی کاشانی معروف به بابا افضل از مشاهیر حکما و شاعران و نویسندگان ایران در اوایل قرن هفتم هجری است. وی مردی پر اندیشه و صاحب طبع مستقیم و ذوق سلیم و وسعت مشرب و وسعت صدر و در نثر و نظم، خاصه در نثر، از جمله رجال مشهور و معروف تاریخ ایران است.»^۵

«اهمّیت خواجه در نثر پارسی بسیار است، زیرا او از جمله افراد نادری است که در میان علما و حکمای ایران توانسته است مطالب حکمی و عرفانی را در سطوح بالا با روانی کلام و سادگی آن و در همان حال با اصطلاحات و عبارات فارسی ساده و قابل فهم به نگارش آورد. از این راه خواجه توفیق یافته است که به جای استفاده از تعبیرات و اصطلاحات عربی مفرد، ترکیبات پارسی به کار برد. اما در

این باره تعصبی هم نورزیده و هر جا که احساس دشواری نموده از تعبیرات متداول در میان علما استفاده کرده و در نتیجه فراهم آمدن مقدار زیادی از اصطلاحات علمی و فلسفی پارسی و یا متداول در پارسی است که در کمال سهولت و رسایی معنی است.^۶

آثار

بیشتر آثار بابا افضل که در این جا نام برده می شود، در مجموعه مصنفات او به کوشش مجتبی مینوی و یحیی مهدوی انتشار یافته است. این آثار بجز مواردی که ذکر می شود، همه به فارسی است.

الف) رباعی ها و دیگر اشعار

۱۹۵ رباعی از وی در مصنفات او آمده است. سعید نفیسی ۴۸۳ رباعی را به عنوان رباعیات بابا افضل کاشانی گرد آورده و در تهران به چاپ رسانده است. کتابی نیز با عنوان دیوان حکیم افضل الدین محمد مرقی کاشانی به کوشش مصطفی فیضی و دیگران در کاشان به چاپ رسیده که مشتمل بر بیش از ۶۸۶ رباعی و ۱۲ غزل و قصیده است. اما درباره انتساب رباعی ها که برخی از آن ها به دیگران نیز منسوب است، بررسی نقادانه ای صورت نگرفته است.

ب) آثار منثور

۱- عرض نامه، اثری مهم که بیش از آثار دیگر بابا افضل، آراء خاص او را در بردارد. این اثر در ۴ بخش (عرض) تدوین شده است. عرض اجسام یا موجودات منفعل و کنش پذیر، عرض کنندگان و کارگران در اجسام عالم، عرض دانسته های مردم (انسان) و عرض دانندگان و بیان ماهیت و انیت داننده.

او در این اثر بر شناخت نفس و مقام والایی که خود انسان از راه دانستن حقایق کلی به دست می آورد، تأکید می کند.^۷

۲- جامع الحکمه، که از دید بیش تر کسانی که به فهرست آثار او پرداخته اند، دور مانده است. این رساله شیوا درباره تأویل «بسمله» و مشتمل بر فواید فلسفی و عرفانی است. جامع الحکمه شامل پاره ای مباحث است، مانند علت نبودن خدا که جز در تعالیم اسماعیلی نیامده است. با این همه، نمی توان آن را حمل بر باطنی مذهب بودن مؤلف کرد، خاصه این که اعتقاد فلسفی او به اصالت و کفایت خرد نسبتی با تعالیم باطنی ندارد. احتمالی که درباره اسماعیلی بودن بابا افضل داده شده، ظاهراً مبتنی بر همین اشاره هاست. و نیز این که شاگرد او کمال الدین حاسب، باطنی مذهب بوده است. او خود به مذهب تسنن به عنوان بهترین راه اشاره می کند.^۸ و چند رباعی منسوب به او که به امام علی (ع) اشاره دارد، در اصالتشان تردید است.^۹

۳- مدارج الکمال یا گشایش نامه که خود وی از آن به «فتوح هشت در» یاد کرده است، نخست به عربی نوشته و سپس به فارسی برگردانده شده است که شامل بحثی است درباره «کمال» و «نقصان» و «کاملان» و «ناقصان» و راه رسیدن نفس آدمی به کمال و نشانه های کمال و ذکر فایده و منفعت دانش و آثار آن در کامل کردن نفس آدمی.^{۱۰}

۴- جاودان نامه، در چهار باب و یک مُلَحَق که اثری است مبتنی بر تعالیم قرآن و حدیث که آن را نویسنده درباره ی «باز جستن انجام و آغاز خود و آرزوی دانستن حال و کار خویش از این زندگانی» نوشته است.^{۱۱}

۵- ره انجام نامه، شامل سه گفتار درباره ی «خود» و وجود و صفات آن- آگهی و علم- منفعت علم و آگهی^{۱۲}

۶- رساله در علم و نطق یا منهج مبین که نخست آن را به عربی نوشته بوده، سپس به فارسی برگردانده است. این اثر توجه فراوان او را به تفکر منطقی در معنای دقیق ارسطویی آن نشان می دهد. از آن جا که در متن عربی مخالفتش را با تعریف ابن سینا از «قیاس خلف» نشان می دهد، معلوم می شود

که نویسنده آن خود او بوده است و این احتمال که برگردان متن عربی از آثار ارسطو یا ابن سینا باشد، منتفی است.^{۱۳}

۷- ساز و پیرایه شاهان پرمایه، این رساله را می توان اثری در زمینه فلسفه سیاسی محسوب کرد، ضمن این که در آن علاوه بر پادشاه کامل، نفس کامل را نیز به تصویر می کشد.^{۱۴}

۸- ترجمه رساله نفس ارسطو

۹- ینبوع الحیات، ترجمه ۱۳ فصل از سخنان هرمس الهمامسه، مشتمل بر مناجات هایی به سبک خواجه عبدالله انصاری «در معاتیب و نصیحت نفس».^{۱۵}

۱۰- تفاحه که دانش پژوه از آن به سبب نامه یاد کرده است. این اثر ترجمه رساله ای عربی منسوب به ارسطو با همین عنوان است.^{۱۶}

ج) رساله های کوچکتر

۱- مبادی موجودات نفسانی

۲- ایمنی از بطلان نفس در پناه خرد

۳- نامه ها و پرسش ها (مکاتیب و جواب اسئله)، شامل هفت نامه که بیشتر آن ها پاسخ به پرسش های یاران و شاگردان درباره مابعد الطبیعه، اخلاق و دین است.

۴- تقریرات و فصول مقطعه: شامل ۳۶ قطعه که از نظر کوتاهی و بلندی میان دو سطر و شش صفحه قرار دارند.

د) آثار منسوب

چند اثر دیگر نیز به افضل الدین نسبت داده شده است که باید در انتساب آن ها به دیده ی تردید نگریست.

۱- المفید للمستفید

۲- «چهار عنوان» یا «منتخب کیمیای سعادت»^{۱۷}

تاریخ و محل ولادت و وفات

ولادت بابا افضل در مَرَق، قصبه ای در پنج فرسنگی کاشان بود. تاریخ ولادتش به درستی معلوم نیست ولی باید در اواخر قرن ششم اتفاق افتاده باشد. و با توجه به اینکه خود او در یکی از نامه‌هایش که در جواب «صاحب سعید مجدالدین عبدالله» تبریزی از وزرای هلاکو در سال ۶۶۱ هجری به فرمان آن خان کشته شده نوشته بود^{۱۸} گفته است: «... دانای نهران و آشکارا آگاه و داناست که این بنده ی ناتوان شصت سال است تا در ظلمات حیات خود بادیه‌ها و عقبات را می سپرد و منزل‌ها می شمرد و سرچشمه ی زندگی خود را می جوید...»^{۱۹}

می توان گفت که تولد او پیش از ۱۱۵۰ق/ ۱۱۵۵ م بوده است.

همچنین یکی از رباعیات منسوب به او از عمر هفتاد و دو ساله او حکایت می کند:

هرگز دل من ز علم محروم نشد

کم بود ز اسرار که مفهوم نشد

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز

معلوم شد که هیچ معلوم نشد^{۲۰}

و چون مرگش در سال ۶۶۷ اتفاق افتاده اگر این رباعی را پنج سال پیش از مرگش سروده باشد،

همان تاریخ تقریبی برای سال ولادتش به دست می آید.